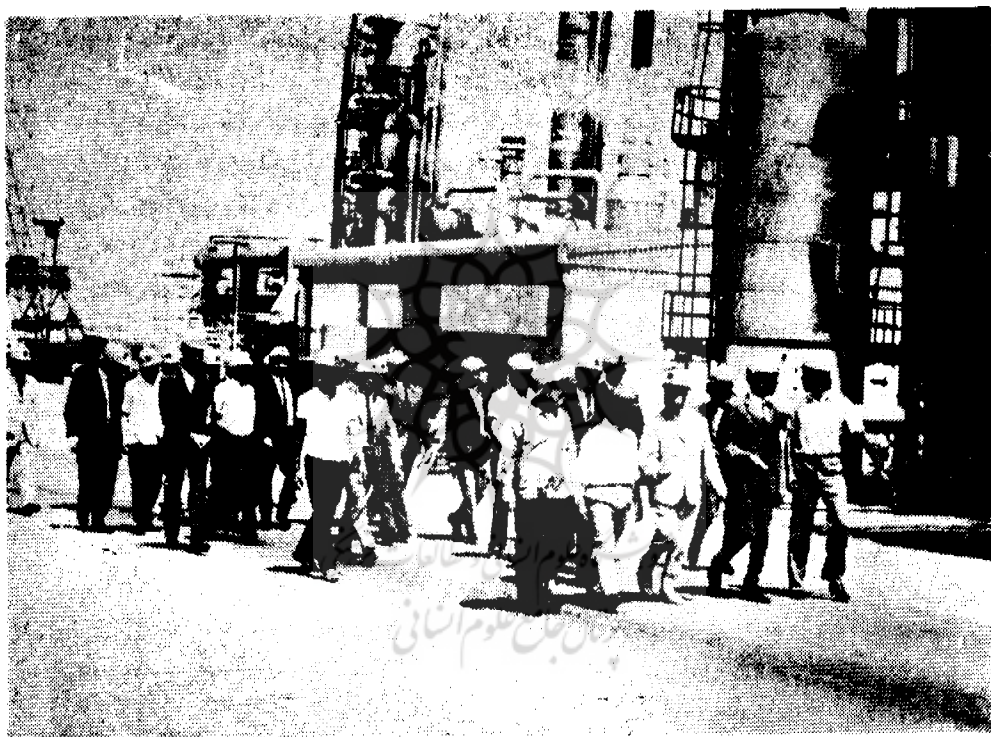


دکتر سید جعفر شهیدی
استاد دانشگاه تهران

الجزایر

- ۳ -

امروز باید برای دیدن کارخانه گاز مایع و منجمد به بندر اریزو (Arzeui) برویم. پیش از ما دانشجویان از این سفر خوشحالند. چرا که يك روز بجای این که صبح و عصر در



تالار سخنرانی گرد آیند و مکررات خسته کننده ما را بشنوند ، در خارج از شهر و دره‌های آزاد و کنار دریا بسر می‌برند .

« اریزو » که تلفظ آن بفتح همزه و سکون را ، و ضم یاء است . بندری است با پانزده هزار تن جمعیت و در ساحل دریای مدیترانه جزء استان « وهران » در شمال غربی الجزیره است. پیش از آنکه فرانسویان الجزایر را اشغال کنند ، دهکده ای را که اکنون در ده کیلومتری (اریزو) است و « بطیوه » نام دارد اریزو می‌گفتند و شهر (اریزو) فعلی را بندر اریزو می‌نامیدند . در دوره فرانسوی ها این بندر را (اریزو جدید) و بطیوه را (اریزو قدیم)

نامیدند. نام این شهر با اندک تغییر در ضبط کتایبهای جغرافیایی قدیم آمده است، در المسالك والممالك ابو عبدالله بن عزیز بکری (ارزوا) ثبت شده و نویسد:

«ارزوا» از بنای رومیان است. شهرکی خالی است که در آن آثار عجیب از دوره باستان دیده می‌شود و هر کس که بدین شهر درآید از بسیاری عجایب حیران گردد. در نزدیکی (ارزوا) کوهی بزرگ است که در آن سه قلمه بارو دار است. در این کوه معدن آهن و زیبق بود و بین (ارزوا) و (وهران) چهل میل راهست» (انتهی).

وصفی که بکری از ارزویو می‌کند منطبق بر دهکده (بطیوه) فعلی است. چه آثار رومیان و فینیقیان در (بطیوه) است که امروز بسیاری از آنرا بموزه‌های (وهران) و الجزائر برده‌اند. شریف ادریسی در کتاب خود (نزهة المشتاق فی اختراق الافاق) نیز از ارزویو نام برده است و گوید: «از طرف مشانه تا بندر (ارزویو) ۱۸ میل است و (ارزویو) روستائی است بزرگ که بدانجا گندم آورند و تجار آن گندم را از این بندر به شهرها فرستند». ارزویو بخاطر موقعیت سوق الجیشی مورد توجه حاکمان وقت بوده است. چنانکه در دوره «موحدین» پایگاه کشتی‌های جنگی این سلسله بود. باری دیدار ما از این شهر مجموعاً هشت ساعت طول کشید. در این دیدار یکهزار دانشجو نیز شرکت داشتند، دانشجویان را به سه دسته قسمت کرده بودند و با گروه ما مجموعاً چهار گروه می‌شدیم و برنامه طوری تنظیم شده بود که هر گروهی در ساعاتی معین باید یکی از چهار مرکز دیدنی را که: تصفیه خانه، شبکه لوله کشی، امونیاک، و گاز سیال است بازدید کنند. هنگام ورود به کارخانه، کلاههای ایمنی در اختیار ما گذاشته شد و در هر نقطه کاردانان فنی که عموماً الجزائری بودند توضیحاتی دقیق دادند. رفقا را نمیدانم ولی من که جز کلیات چیزی دستگیرم نشد.

کاردانان مخصوصاً می‌کوشیدند که با عربی سخن بگویند منتهی بیشتر آنان قادر بگفتگو بزبان عربی فصیح نبودند اما بهر صورت مطالب آنان مفهوم بود. نهار در مهمانخانه‌ای که در کنار دریا ساخته بودند، از طرف شهردار ارزویو داده شد و ساعت ۴ بعد از ظهر به (وهران) باز گشتیم.

جلسه‌های کنفرانس صبح و عصر بدون تعطیل تشکیل می‌شود، جمعه‌ها هم صبح و عصر جلسه داریم. گویا چند تن از دانشجویان در جلسه امروز عصر غائب بودند (توضیحاً باید عرض کنم که در این کنفرانس یکهزار و یکصد تن دانشجو از سه دانشگاه قسنطینه، وهران و الجزیره شرکت دارند. اینان قبلاً برای شرکت در این کنفرانس نام نویسی کرده‌اند و متعهد شده‌اند که يك جلسه هم غائب نشوند.

هزینه شام و نهار و اطاق خواب آنان به عهده وزارت ثئون دینی است. می‌دانستم آقای مولود قاسم وزیر تعلیم اصلی و ثئون دینی الجزائری مردی مسلمان و سخت علاقمند و پای بند تعلیمات دینی و مردم منظمی است، اما او را تا این حد جدی نمی‌دانستم، در آن گرمای کسل کننده که بدون مبالغه همگی غرق در عرق بودیم با چهره‌ای برافروخته پشت میز خطابه رفت و روزنامه‌ای را که بزبان آلمانی بود در آورد و خبری از آن را خواند و ترجمه کرد که گروهی از علمای مسیحی مدت بیست و دو روز در زیر زمینی به مشورت پرداختند تا راه حلی بیابند که چگونه تعلیمات

مسیحی را بهتر رواج دهند در تمام این مدت از آن زیرزمین خارج نشدند ، آنگاه دانشجویان متخلف را توییح کرده که شما از حضور در تالاری که وسائل راحت نسبی شما در آن فراهم است غائب می شوید در صورتیکه خودتان داوطلب بودید . اگر دانشجویی بخواهد از جلسه غیبت کند بهتر است که بمحل خود برگردد و اصلا حاضر نشود .

امشب قرار شد برای دیدار دانشجویان و گفتگو با آنان به کوی دانشجویان بروم این کار از این سال سنت شد و سال بعد نیز ، دوبار دیدن آنان رفتم . در آنجا دیگر امتیازات برخاسته است ، سخنران و سخن شنو بشقاب بدست در یک صنف ایستادیم تا نوبت غذا گرفتن شود . سپس با گروهی سر میزی نشستیم پس از صرف شام وقت نماز عشا بود . دوستان دانشجویی می خواستند من امامت را عهده دار شوم ، معذرت خواستم و یکی از دانشجویان را پیش گماردم تا امامت کرد . پس از نماز به تالار رفتم و از ساعت ۸/۵ تا ۱۲/۵ بحث و پاسخ و پرسش ادامه داشت و متجاوز از سی و دو سؤال از موضوع مختلف فرستاده شد . این پرسش و پاسخ ها سبب گردید که این عده از دانشجویان تا حدی باوضع دینی اجتماعی فرهنگی کشور ما آشنا شوند . بسیاری از تصورات خطا باطل شد و می توانم بگویم که در پایان جلسه دهلیای ما بیش از پیش با یکدیگر نزدیک گردید . نیم بعد از نصف شب بود و رفتا بازم می خواستند به بحث ادامه دهم ولی گفتم ما و شما ساعت ۹ فردا که روز جمعه است باید در تالار سخنرانی حاضر باشیم و بهتر است که فعلا باهم خداحافظی کنیم .

چنانکه نوشتم جمعه هم تعطیل نداریم ، امروز جمعه هشتم مرداد ، آقای حاج سعید عیسی



چند تن از شیوخ اباضیه

استاد مدرسه تربیت معلمان در وهران سخنرانی کرد . آقای سعید از خوارج اباضی است . موضوع سخنرانی ایشان طبق برنامه چاپ شده کنفرانس (مذهب اباضی و علاقه آن با مذاهب دیگر در جهت اقتصاد و خانواده) بود . اما سخنران از قیام عبدالله بن وهب راسبی در سال سی و نهم هجری به مخالفت با داوری عمرو بن العاص و ابو موسی اشعری (حکمین) و تأسیس فرقه خوارج آغاز کرد ، و تا نوشته های احمد امین گفتار خود را ادامه داد . آنچه کمتر شنیده شد مطالب مربوط به موضوع سخنرانی و

آنچه بیشتر گفت بحث های کلامی مذاهب بود .

يك دوبار وزير بدو تذكر داد كه از موضوع خارج نشود . سخنران در گفتار خود هر جا بنام مبارك امير المؤمنين على عليه السلام می رسيد ، با تعبير (كرم الله وجهه) از آن بزرگوار ياد میكرد ، در حاليكه اين دعا بر خلاف سيرت خوارج حتى فرقه اباضيه (در صدر اول) است . اكثر خوارج اگر درباره آن بزرگوار (غفر الله له) نگویند ، از جمله (رضی الله عنه) فراتر نمیروند . موجب خوشوقتی است كه تمصبات جاهلانه و دشمنی های نابجا اندك اندك تخفيف می یابد . سخنران دنباله گفتار را بمنهـب شیعه كشانید و عین نوشته مرحوم احمد امین را در معرفی شیعیان بیان کرد :

و شیعه گری پناهگاهی است كه هر كس بخواهد اسلام را نابود سازد بدان پناه می برد . در پایان مسلم بود كه بنده باید بدفاع برخیزم اما چقدر تعجب كردم و در عین حال خوشحال شدم كه دیدم آقای محمدالمبارك بر من سبقت گرفت و اجازه سخن خواست . آقای محمدالمبارك از علمای معروف جهان اسلام و فعلا در مدینه ساكن است . او از شهرهای ایران دیدن کرده و با علما و استادان دانشگاه قم تهران و مشهد ملاقات کرده است : آقای مبارك در پاسخ سخنرانی گفت :

برای اطلاع از عقاید پیروان هر منـهـب ، باید بكتاب های علمای آن منـهـب رجوع کرد . استناد به نوشته احمد امین در معرفی منـهـب شیعه درست نیست . و افزود من كتب فقه شیعه را خوانده ام . اگر اسناد روایات شیعه را حذف كنیم در مضمون ، بیش از ده درصد با روایات اهل سنت اختلاف ندارد . در آن ده درصد باقی خلاف بین مذاهب اهل سنت بیشتر است تا خلاف بین شیعه و مذاهب اهل سنت . سپس گفت من به ایران رفتم و كتابهای درسی دبیرستان ها را كه مخصوص تعلیمات دینی است خواندم ، اصول دین شیعه مانند اهل سنت سه اصل است و درباره دو اصل دیگر (عدل و امامت) نوشته اند : اگر کسی این دو اصل را نپذیرد مسلمان است ولی شیعه نیست .

من نه از آن جهت خوشحال بودم كه عالمی سنی به دفاع از منـهـب شیعه برخاسته است ، بلكه از آن جهت كه روشن بینی علمای اسلام بدانجا رسیده ، است كه دیگر به نوشته های توأم با تعصب علمای سلف نمی نگردند ، برای كشف حقیقت خود به جستجو می خیزند (همان سیره ای كه محدثان در قرنه های اول اسلام پیش گرفته بودند) . پس از ایشان ، بنده هم به سهم خود سخنران را با اشتباهات تاریخی وی متوجه ساختم . آنگاه نوبت بدانـشـجویان رسید ، (باید توضیح دهم كه در این کنفرانس پس از خاتمه هر سخنرانی نخست از استادان و سخنرانان پرسش می شود كه اعتراضی یا توضیحی دارند یا نه . و آنان شخصاً پشت میز خطابه می آیند . و سخنان خود را می گویند اما در مورد دانشجویان چنین نیست ، آنان باید مطالب خود را در كاغذی بنویسند و بمنشی جلسه تسلیم كنند . سال گذشته خواستند این رسم را بهم بزنند و بدانـشـجویان هم اجازه دهند پشت میز خطابه بیایند ولی در همان روز اول پیش آمدی شد كه از این تصمیم منصرف گشتند . این پیش آمد را ضمن یادداشت های کنفرانس ششم خواهم نوشت) . رفقای دانشجو سخنران را سخت سؤال پیچ كردند . فرقه اباضیه در الجزایر زندگی خاصی دارند ، و كمتر با اجتماع می آمیزند و همین كناره گیری سبب شده است كه از بعضی دوستان مكر رشیدم ، اینان سری

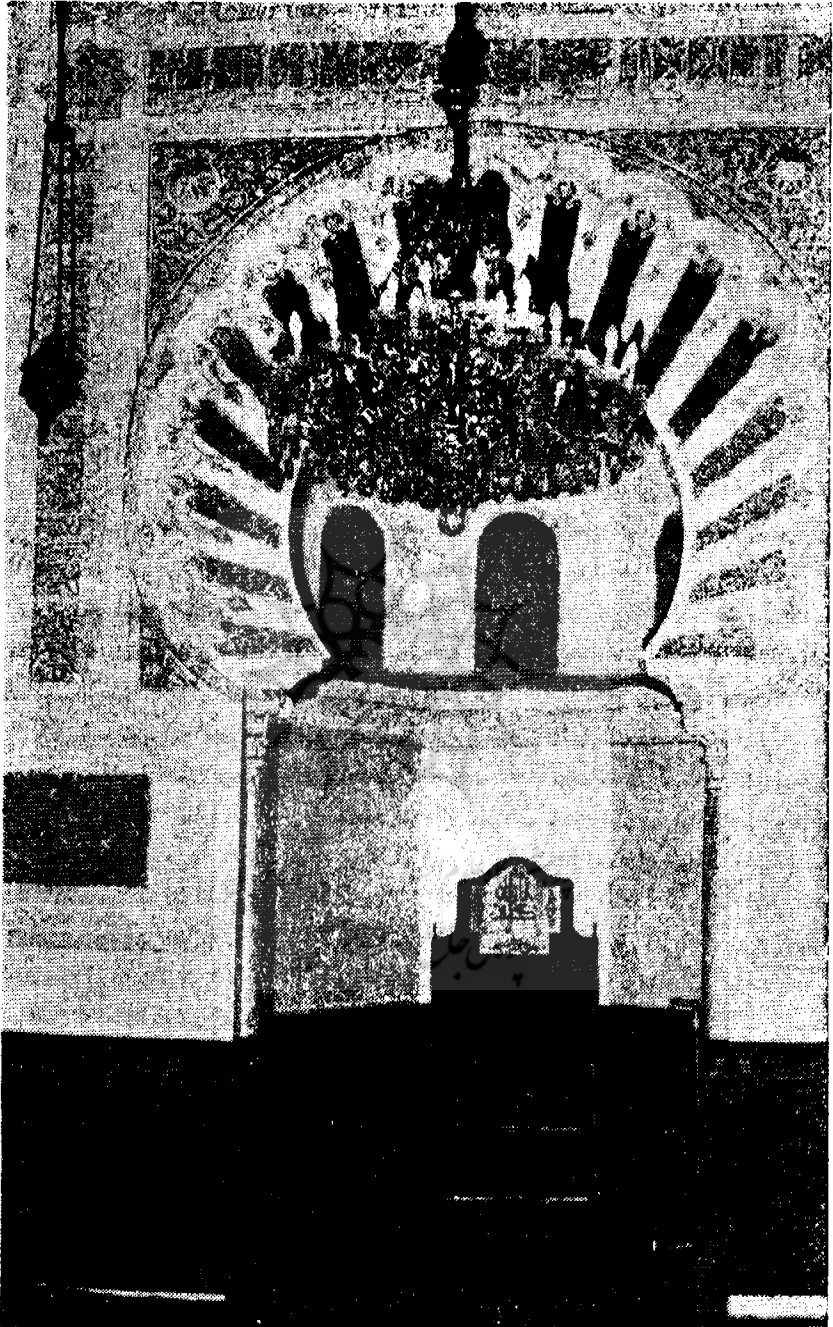
و امروز زندگی می‌کنند . به عقیده من این توهم باطلی است . اباضیه مردمانی بسیار سلیم دل و سخت پای‌بند فرائض دینی و درعین حال مقتصدومیانه رو هستند . بای بندی آنان به سنن و آداب ، سبب شده است که این فرقه بسیاری از تجدد طلبی‌ها را طرد کرده‌اند و در نتیجه آمیزش آنان با طبقات مختلف کمتر شده است . زنان اباضی سر تا پا پوشیده‌اند ، نظیر این حجاب را تنها در بانوان مسلمان هند و پاکستان می‌توان دید . زنان بندرت از خانه بیرون می‌آیند و در اجتماعات هم شرکت نمی‌کنند .

دانشجویان سخنران را بیاد افتاد گرفتند که چرا با زنان خود چنین نامنصفانه رفتار می‌کنند . سرانجام سخنران درماند و گفت آقایان زن من بدین وضعی که دارد راضی‌است . و هرگز نمی‌خواهد آن را تغییر دهد ، شما از خود او و از من که شوهر او هستم درباره‌ او دلسوزتر نیستید و با این سخن توأم با استرحام که قهقهه خنده بدنبال آن بود میز خطاب را ترک گفت .

ظہیر امروز (جمعه) باید برای خواندن نماز جمعه به مسجد برویم . رفتن به مسجد در روزهای جمعه جزء برنامه رسمی است و همه اعضای کنفرانس باید در آن شرکت کنند . گویا این رسم در تمام کنفرانس‌های اسلامی کشورهای عربی برقرار است .

برای خواندن نماز جمعه به مسجد ابی مروان رفتیم . مسجد ابی مروان طبق کتیبه‌ای که بالای محراب آنست در سال ۳۵۰ هجری قمری ساخته شده ، و گمان دارم منسوب به ابو عبدالملک مروان محمداسدی (بونی) فقیه مالکی مذهب است که سمعانی از او نام برده و نویسد : وی از بزرگان اصحاب ابوالحسن قایسی است ، و شرحی بر موطا نوشته است ، او از مردم اندلس بود . سپس به آفریقا رفت و در (بونه) امامت کرد و در ۴۴۰ هجری در گذشت . شاید مروان چندی در این مسجد نماز خوانده و مسجد بنام او معروف شده و نام او بجای ابو عبدالملک مروان ، در کتیبه ابومروان آمده است . چنانکه در عکس می‌بینید معماری مسجد به سبک معماری اندلسی است . و با اینکه پیش از هزار سال بر ساختمان آن می‌گذرد ، بنای اصلی مسجد استوار مانده است . تنها در داخل ساختمان تغییراتی داده‌اند ، علت تغییر این است که فرانسویان پس از اشغال الجزیره این مسجد را به بیمارستان تبدیل کردند . مسجد بزرگی نیز در الجزیره (پای تخت) است که مسجد (کشاوه) نام دارد و آنرا نیز فرانسویان تبدیل به کلیسا نمودند . سال گذشته که در آن مسجد نماز خواندم هنوز هم تصویر قدی‌ها که با نقاشی رنگی ترسیم شده بود بر سردر مسجد دیده می‌شد ، و پایه‌ای که صلیب را بر آن نصب کرده بودند باقی بود . بدون شك یکی از علل سرسختی الجزایریان در نبردهای با فرانسه بی‌اعتنایی شدید اشغالگران به عواطف و معتقدات این مردم بوده است .

عصر امروز یکشنبه دهم مرداد آخرین جلسه کنفرانس است . (مجلس امروز را بانوان اداره می‌کردند و ما تماشاگر بودیم . بانو فاطمه الحبابی همسر آقای دکتر محمد عزیز الحبابی اداره جلسه را به عهده داشت . آقای الحبابی استاد فلسفه است و بخاطر سبک مخصوص خود در بحث ، که اساس آن ایجاد شك و تردید در ذهن دانشجویان است طرفدار و مخالفانی دارد . وی در جامع اسلامی عربی و نیز در محافل علمی غرب مشهور است . در فلسفه به عربی و فرانسه



محراب مسجد ابن مروان



همه در يك صف در حال عبادت پروردگار

تألیفاتی دارد که بعضی آنها از زبانی بزبان دیگر ترجمه شده است ، بانوالجبایی دبیر دبیرستان است وجامعه شناسی و فلسفه را درس می دهد ، شرکت کنندگان در بحث ، بانوان ودوشیزگان



بانو فاطمة الجبایی ، طرف چپ او استاد الجبایی و آنکه کنار نگارنده است ،
آقای مولود قاسم و درکنار او استاندار وهران ایستاده است

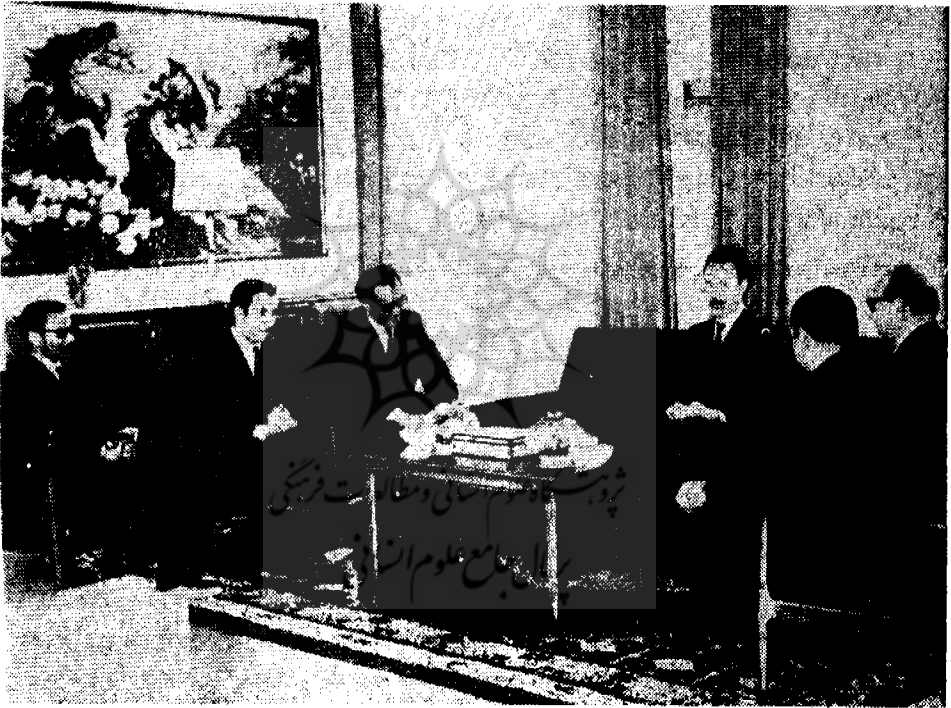
معلم و دانشجو بودند و بحث بر محور تشکیلات خانواده و وظائف افراد دور میزد ، روی هم
رفته مجلس امروز عصر گرمتر از مجالس دیگر بود .

امروز دوشنبه یازدهم مرداد کنفرانس پایان یافت وقطعنامه خوانده وتصویب شد . مواد
قطعنامه بوسیله چهارگروه عضو تنظیم گردید . در گروه ما که مسئول تنظیم پیشنهادهای مربوط
به بهبود داخل خانواده هاست من چند پیشنهاد دادم که همگی بدون کوچکترین تغییر به تصویب
رسید . از جمله تعمیم تعلیمات ضروری در تمام خانواده های شهری وروستایی . استفاده از بانوان
و دوشیزگان در کارهایی که در صلاحیت آنهاست .

در این روزها میهمانی های مفصلی از طرف فرماندار وهران ، فرمانده نیروی دریائی ،
بعضی شخصیت های برجسته شهر بافتخار نمایندگان کشورها داده می شود . سرانجام به الجزیره
برگشتم و مجدداً در هتل (آلیتی) اقامت کردم . دو روز در الجزیره ماندم باز هم آقای تفضلی
باملاقات های مکرر و احوال پرسی های پی در پی بنده را ممنون و شرمنده ساختند . آقای تفضلی
بین رجال سیاسی این کشور احترامی خاص دارند . آقای نوالدین آل علی وابسته فرهنگی
و استاد فارسی در دانشگاه های الجزیره و وهران و قسنطینه که در طول مدت کنفرانس همراه

من بود، این دو روز صبح و عصر با من است . کوشش پی در پی توأم با ایمان و علاقه این جوان بی طمع و بی تظاهر سبب شده است ، که زبان فارسی در این سه دانشگاه توفیقی خاص پیدا کند و فارسی نه تنها به صورت متن تدریس می شود، بلکه تاریخ ادبیات ایران و ادبیات تطبیقی فارسی و عربی را نیز تدریس می کنند. تعجب آور بلکه تحسین آمیز است که آل علی گاهی هزینه رفت و آمد خود را برای تدریس در این سه دانشگاه که هر کدام مدت یکساعت پرواز هوا وقت می گیرد شخصاً می پردازد . در الجزیره تعداد فراوانی دانشجوی علاقمند زبان و ادبیات فارسی داریم که هنوز هم بامن رشته مکاتبه خود را ادامه داده و می دهند .

امروز سومین روز اقامت در الجزیره است کاری ندارم. گرما هم ناراحت کننده است ولی خبر دادند که باید بحضور حضرت هواری بومدین رئیس جمهور برویم اغلب مهمانان الجزیره را ترک کرده اند تنها من و نماینده سوریه و بی عثمان امین استاد فلسفه که اصلاً مصری ولی



(در حضور آقای رئیس جمهور)

مقیم الجزیره است باقی مانده ایم . ملاقات ما با آقای رئیس جمهور در حدود سه ربع ساعت طول کشید ، با بیرون آمدن از کاخ ریاست جمهوری برنامه کار ما در الجزایر پایان رفت فردا این کشور را ترک خواهم گفت .